

## استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

# برای حفظ منافع ملی و دستیابی و بهره جستن از فناوری هسته ای صلح آمیز و تامین سوخت، راهی جز برقراری تعامل لازم با آمریکا و اتحادیه اروپا و پایان بخشیدن به سیاست تنش آفرینی پیش رو نداریم

این درست است که برابر ضوابط آژانس و قرارداد NPT و حتی پروتکل الحاقی ایران حق دارد که چون دیگر اعضا به فعالیتهای گسترده صلح آمیز دست بیابد، این نیز منطقی است که ایران برای تامین سوخت رآکتورهای خویش حق دارد تا بکار غنی سازی اورانیوم بپردازد و با توجه به ذخایر قابل توجه "سازند" و غیره به استخراج و فرآوری بپردازد و اجبار نداشته باشد تا سوخت مورد نیازش را از غرب و یا هزینه های سنگین تامین کند. و حتی به موقعیتی دست یابد که بتواند به عنوان صادرکننده سوخت رآکتورهای اتمی به امکانات اقتصادی فراوانی دست بیابد. ولی واقعیت های تلخ جهان امروز و معادلات جهانی و نقش قدرتهای برتر اجبارهایی را به کشورهای جهان دیکته می کند که به راحتی نمی توان از زیر آن فشارها خود را بیرون کشید.

امروز قدرتی لجام گسیخته و بی پروا چون آمریکا در موقعیتی قرار دارد که قدرتهایی چون روسیه و چین که هم از توان بالای اتمی و قضایی برخوردارند و هنوز صاحب نفوذ هستند و چین سالهاست در مسیر توانمندی چشمگیر اقتصادی گام بر می دارد، با این حال، در عمل هیچگاه خود را در مسیر چالش جدی با آمریکا قرار نمی دهند و از هیچ کشوری در درگیری با آمریکا حمایت نمی کنند.

اتحادیه اروپا نیز به عنوان دومین قدرت نیز در عین آنکه می کوشد منافع خویش را حفظ کند، بهیچوجه در مسیر تضاد با آمریکا گام نمی نهد. با توجه به چنین شرایط نامناسبی آیا کشورهای جهان سومی و حتی در حال توسعه در وضعی قرار دارند که بتوانند منافع ملی خود را بدون در نظر گرفتن این واقعیت نامطلوب آنطور که خود می خواهند تامین

شبه محاصره هرات و حمله انگلیسی ها با استفاده از دیپلماسی کشتی های جنگی و اشغال بخشی از جنوب کشور است تا ایران را وادار به دست کشیدن از هرات کنند. امروز آمریکا و غرب بویژه سه کشور عمده اتحادیه اروپا در یک تلاش گسترده، در عین حالیکه هر یک برای کسب منافع بیشتر در خاورمیانه تلاش دارند، با توجه به واقعیت ها برآنند تا در چارچوب یک تعامل کلان، منافع را میان خود تقسیم کنند، نه آنکه به جدال باهم بپردازند. در تغییرات اساسی که مورد نظر غرب است، ایجاب می کند با حذف عراق به عنوان یک قدرت عمده منطقه ای شرایطی پیش نیاید که ایران با توجه به موقعیت بسیار حساس و عمده ای که در قلب منطقه دارد، بتواند در وضعی قرار گیرد که حرف اول را بزند. آنها به خوبی از حساسیت شدید شماری از همسایگان ایران در منطقه، بویژه کشورهای غربی، نسبت به افزایش قدرت ایران آگاهی دارند. بنابراین، برآنند که در کنار ایجاد تغییرات اساسی در وضع منطقه، به آنها اطمینان دهند که اجازه نخواهند داد ایران به عنوان قدرت برتر منطقه نقش آفرین بگردد. بنابراین، باید بخش عمده ای از درآمدهای نفتی ایران صرف توسعه تکنولوژی جنگ افزارها و فعالیتهای هسته ای بگردد و با اجرای سناریوی بزرگمایی توان هسته ای ایران زمینه سازیهای لازم را فراهم آورند تا با بردن پرونده به شورای امنیت و دادن التیماutom به ایران نخست فشارهای اقتصادی را تحمیل کنند و در صورت مقاومت ایران با تمهیداتی خاص شرایط را برای ضربه زدن به جایگاههای فعالیت اتمی ایران و شماری از زیرساخت های عمده تولید انرژی کشور از راه دور فراهم سازند و لطمه ای سنگین بر ایران وارد آورند.

ماجرای فعالیت های هسته ای ایران و غوغای برپا شده در برابر آن از سوی غرب بویژه آمریکا، اسرائیل و سه کشور عمده اتحادیه اروپا در عین آنکه راه به سالهای پیش می برد، ولی اوج آن به دوران حمله به عراق مربوط می گردد که به گونه ای غیر منتظره روز بروز بر میزان اوج گیری موضع گیریهای شدید در برابر ایران افزوده می شود.

این ساده اندیشی است که بگویم سازمانهای اطلاعاتی غرب و اسرائیل طی سالهای گذشته از میزان پیشرفتهای فعالیتهای اتمی ایران ناآگاه بوده اند و یا اینکه ایران در یک دوران بسیار کوتاه توفیق آن یافته تا به پیشرفتهای چشم گیری دست بیابد و تا به این حد موجبات تشویش قدرتهای جهانی را فراهم بسازد. شک نکنیم که دستگاههای اطلاعاتی غربی به کمک پیشرفته ترین تکنولوژیهای ممکن و گستردگی شبکه های جمع آوری اطلاعات، گام بگام نه ایران که دیگر کشورهای علاقمند به دستیابی به توان انرژی اتمی را دنبال می کنند.

مگر امکان دارد در خریدهای چند میلیارد دلاری ایران از پاکستان، کشوری که تمامی نیرویش را مدیون یاریهای آمریکا و انگلستان است به گونه ای صورت گرفته باشد که سرویسهای اطلاعاتی غرب از آن بی خبر مانده باشند؟ مگر می شود سالها مراکزی چون اراک، نطنز، اصفهان و تهران در زمینه دستیابی به آب سنگین و سانتر فیوزهای P2 و آزمایشهای گوناگون در زمینه غنی سازی اورانیوم فعال باشند و دنیای قدرتمند غرب با وجود ماهواره های جاسوسی از آن بی خبر باشند؟

بنابراین، سخن در این باره نیست که قدرتهای جهانی یکباره بخود آمده باشند و طاقت از کف بدهند و این چنین ایران را در منگنه قرار دهند، مسئله چیزی

## برای حفظ منافع ملی و دستیابی و بهره جستن از فناوری هسته ای صلح آمیز و تامین سوخت، راهی جز برقراری تعامل لازم با آمریکا و اتحادیه اروپا و پایان بخشیدن به سیاست تنش آفرینی پیش رو نداریم

کنند؟ از یاد نبریم که هند و پاکستان بدون بر خورداری از حمایت قدرتهای جهانی و برقراری تعامل لازم با آنها هرگز امکان دسترسی به سلاح اتمی را نمی یافتند و از مزایای آن برای بالا بردن موقعیت و موضع استراتژیک خویش نمی توانستند بهره بجویند. آیا دیپلماسی خردمندانه هند در برقراری تعامل با قدرتهای جهانی برای حضورش در باشگاه کشورهای اتمی لطمه ای به استقلال و اعتبار منطقه ای و جهانی هند وارد ساخته است؟

حاکمیت ایران در بعد از انقلاب با اتخاذ روش تقابل با کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی تا به امروز لطمه های شدیدی بر منافع ملی ایران در ابعاد مختلف وارد ساخته و فرصتهای گرانبهایی را برای ارتقاء بخشیدن به موقعیت ایران در زمینه های گوناگون از دست داده است. بن بست امروز ملت ایران در قبال دستیابی به توانمندیهای اتمی صلح آمیز یکی از نمود های سیاست تنش آفرین حاکمیت در

طول سالهای بعد از انقلاب است. بر اساس کدام سیاست خردمندانه ای در بحرانی ترین شرایط و فشارهای جهانی ایجاب می کرد تا ما بصورت علنی و با تبلیغات گسترده به آزمایش موشکی دست بزنیم و بهانه بدست بدهیم. بر اساس چه تدبیری و با چه زمینه ای ایجاب می کرد تا مقام اصلی مذاکره کننده ایران اعلام کند که ما آزمایش غنی سازی را از سر خواهیم گرفت که بعد از چند روز بر اثر فشارهای همه جانبه به سرعت ناچار به عقب نشینی بشویم. کدام دیدگاه ملی و شناخت آگاهانه به آنهایی که به زور شورای نگهبان نام نماینده ملت را بر خود گذارده اند، اجازه داد تا دست به مانور برای وادار ساختن دولت به از سرگیری غنی سازی اورانیوم بزنند. این آقایان می دانند میهن ما در چه موقعیتی قرار دارد؟ شرایط بشدت بحرانی منطقه را می توانند درک کنند؟ آیا آنهایی که دستیابی به قدرت بی چون و چرا و تثبیت سلطه حاکمیت توان واقع بینی را از آنان سلب ساخته و بر طبل جنگ و رودر رویی میگویند و برای عملیات انتحاری نام نویسی می کنند، می دانند که راه را برای مورد هدف قرار دادن نظامی ایران از سوی آمریکا و اسرائیل و همسویانشان هموار می سازند.

چرا حاکمیت نمی خواهد با سیاست تنش آفرین شعاری وداع کند و با درک واقعیت برای حفظ منافع ملی راه تعامل با قدرتهای جهانی را در پیش بگیرد

**هیئت رهبری جبهه ملی ایران**  
**عبدالعلی ادیب برومند، مهندس عباس امیر انتظام، دکتر داود هرمیداس باوند، سرلشکر بازنشسته ناصر فرید، مهندس نظام الدین موحد، دکتر پرویز ورجاوند.**

۱۱ مهر ۱۳۸۳

## وزیر راه هم همراه ناگفته هایش رفت

اتکا به اهرم های خود ابتدا چپ را کنار زد و اینک بر همان مینا و بنا به ماهیت خود "راست" را منزوی و دنباله رو خویش کرده است. ... و به تدریج حوصله ادامه مشارکت جناح راست، در قدرتی را که به تهایی نیز می تواند به کف آورد، از دست می دهد.

سپس در ادامه، با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده، می نویسد: "مبادا خوش خیالان آنها (چپ یا اصلاح طلبان) نماینده ای خوش خیال تر از خود را برای انتخابات ریاست جمهوری پیش رو به اعتبار این گفته از اینکه (یک انقلابی هرگز دست رد به سینه قدرت نمی زند) به میدان بفرستد و تصور کند که در صورت پیروزی در انتخابات حتی به اندازه خانمی اقبال خواهند داشت. آنها که "چپ" را تشویق به حضور در انتخابات می کنند.... نیاز حرف رقیب به افزایش مشارکت در انتخابات و نه بیشتر را بازتاب می دهند." مقاله با این جمله پایان می یابد: "روزهایی باز هم تاریخی در پیش است!"

شد. آزمون موفق تسخیر شوراهای شهر و بویژه شهر تهران و فتح بلانماز مجلس در انتخابات اسفند ۱۳۸۲ با کمک نظارت استصوابی و عدم مشارکت اکثریت مردم، این جوانان جنگ دیده و جبهه رفته را تشویق کرده است که بجای پشتیبان قدرت بودن به مرکز قدرت تبدیل شوند، در اختیار گرفتن کرسی ریاست جمهوری و تسلط بر قوه قضائیه قدم های بعدی آنان خواهد بود. اما حوادث شتابناک بین المللی، نارضایتی وسیع داخلی و شکاف بین بدنه سپاه و فرماندهان آن عواملی است که نمی توان آنها را نادیده گرفت، بویژه اینکه به نظر نمی رسد این جوانان از جنگ برگشته قادر به حل و برطرف کردن مسالمت آمیز آنها باشند. ضمن آنکه باز به نظر نمی رسد روحانیت هم که بقول خودشان هزار سال برای در اختیار گرفتن قدرت مطلقه منتظر فرصت بوده اند به سادگی میدان را برای این جوانان تشنه قدرت خالی کنند. روزنامه شرق در سرمقاله ۱۴ مهرماه، دربارۀ با اعلام ورود نیروی سوم به باشگاه دو قطبی حاکمیت ایران می نویسد: "نیروی سوم با

بالاخره پس از ماهها جدال و گفتگوی پنهان و آشکار، احمد خرم وزیر راه و ترابری با رای قاطع ۱۸۸ نماینده مجلس، از وزارت عزل شد. در حالیکه ناگفته هایی را که قول داده بود بگوید با خودش به دفتر ریاست جمهوری برد. جنجال بر سر گنجایش فرودگاه امام آغاز شد که سپاه پاسداران با کاربرد نیروی نظامی از بازگشایی آن جلوگیری کرد و فرودگاه گشوده نشده بسته شد. این قدرت نمایی سپاه با عزل احمد خرم شکل جدیدی به خود گرفت، که می توان آن را اعلام عصر جدیدی از جابجایی قدرت در ایران دانست. استغناء و سقوط دولت موقت در آبان ماه ۱۳۸۵، عزل و فرار بنی صدر در خردادماه ۱۳۶۰، به حاشیه رانده شدن و خانه نشینی جناح چپ پس از درگذشت آیت الله خمینی، که حتی پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس پس از سال ۱۳۷۶ نیز نتوانست در آن تغییری ایجاد کند، سرانجام با چهره نمودن جوانانی که در جبهه و در پشت صحنه قدرت اکنون به میان سالی رسیده اند، وارد عصر جدیدی

## آمار و ارقام از بحرانهای فاجعه آفرین سخن می گویند

خط فقر به ۱۸۵ هزار تومان می رسد  
خط فقر در شهرها به ۱۸۵ هزار تومان خواهد رسید. با استناد به گزارش سازمان مدیریت: بر پایه اطلاعات خام بودجه خانوار، خط فقر نسبی در سال ۸۱ برای یک خانواده ۵ نفره، به قیمت ثابت سال ۸۱ در جامعه شهری، یک میلیون و ۵۴۴ هزار و ۱۶۲ ریال و در جامعه روستایی، ۹۰۷ هزار و ۶۹۸ ریال بوده است.

همچنین سطح هزینه خانوار میانه به عنوان خط فقر هم بیشتر از خط فقر اول است.  
به دلیل بالا بودن هزینه زندگی در شهرها، خط فقر در مناطق شهری، همواره بالاتر از مناطق روستایی بوده و این رقم در سال ۸۱ به ۱۷ برابر می رسد.

پیش بینی می شود که در سال ۸۲، خط فقر در مناطق شهری به رقم یک میلیون و ۸۲۲ هزار و ۷۵۶ ریال و در مناطق روستایی به یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۵۶۲ ریال افزایش یابد.

### میزان سرانه هر ایرانی مشخص شد

بر اساس آخرین آمار ارایه شده از سوی بانک مرکزی، درآمد سرانه هر ایرانی در سال گذشته بیش از هزار تومان بوده است.

درآمد سرانه شاخصی است که نسبت تولید ناخالص داخلی هر کشور به جمعیت آن را نشان می دهد و براساس این معیار می توان قدرت اقتصادی کشورهای مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد.

بنابر این آمار، تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته یک هزار و میلیارد ریال به قیمت های جاری بوده است و این در حالی است که جمعیت ایران در این سال میلیون و هزار نفر گزارش شده است. این گزارش سخاکی است که درآمد سرانه هر ایرانی در سال در حدود هزار تومان بوده است.

### کالاهای اساسی از ۱۴ تا درصد، گران شد

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: بر پایه بخشنامه های شورای اقتصاد که به وزارت بازرگانی ابلاغ شده، این شورای نرخ رسمی کالاهای اساسی، کالاهای تعادلی و صنعتی، را کمیته ۱۴ و بیشینه ۸۷ درصد افزایش داده است که موجب فشارهای شدید تورمی به مردم می شود.  
مرتضی تمدن، نماینده مردم شهرکرد، در

گفت و گو با خبرگزاری فارس افزود: نرخ این کالاها بدون توضیح به مردم و افکار عمومی و فراتر از مجوزهایی که این شورا در اختیار داشته، افزایش یافته است.

### ایران به سالانه ۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی نیاز دارد

صندوق بین المللی پول پیش بینی کرد که ایران برای تثبیت نرخ رشد اقتصادی ۵/۴ درصدی، به جذب سالانه چهار میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیاز دارد.

به گزارش خبرگزاری فارس، صندوق بین المللی پول در این گزارش تصریح کرد: در صورتی که ایران نتواند این میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب کند، تأمین این مبلغ از راه استقرار خارجی نیز می تواند نرخ رشد اقتصادی مورد نظر را تأمین کند.

این صندوق با اشاره به متوسط نرخ رشد اقتصادی ۵/۸ درصدی ایران در سه سال گذشته، برآورده شدن این نرخ رشد را برای تثبیت نرخ بیکاری در سطح فعلی ضروری دانست.

این گزارش افزود: در صورتی که ایران در جذب این میزان سرمایه گذاری در سال موفق نشود، از کسری چهار میلیارد دلاری در هر سال زیان قابل توجهی خواهد دید.

صندوق بین المللی پول تصریح کرد: عدم جذب این میزان سرمایه گذاری، هدف توسعه میدانیهای نفتی ایران و افزایش گنجایش تولید نفت را برآورده نخواهد ساخت و در نتیجه منابع مالی داخلی هم برای سرمایه گذاری برآورده نخواهد شد.

این گزارش تصریح کرد: اگر سطح تولید نفت ایران تا سال ۲۰۰۸ در رقم فعلی ثابت بماند، این کشور در آینده هر ساله دچار کمیته ۱۱ میلیارد دلار کمبود منابع مالی برای سرمایه گذاری خواهد شد.

صندوق بین المللی پول در پایان این گزارش، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و توسعه صادرات نفت را مهم ترین برنامه اقتصادی دولت ایران در آینده ارزیابی کرد که برای کاهش نرخ بیکاری بسیار حیاتی است.

تا ۸۰ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف مهاجرت می کنند

دبیر جشنواره ۲۰۰۴ پلی تکنیک، باقی ماندن ۷۰ تا ۸۰ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه پلی تکنیک را از دستاوردهای جشنواره ۲۰۰۲ پلی تکنیک دانست.

به گزارش ایلتنا، مهندس حمیدرضا صالحی، دبیر جشنواره ۲۰۰۴ پلی تکنیک، با بیان این مطلب، اضافه کرد: پیرامون ۷۰ تا ۸۰ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه شریف که از نخبگان کشورند، مهاجرت می کنند. اما فارغ التحصیلان امیرکبیر چون نقش و تأثیر پیشینیان خود را در صنعت می دانند به ماندن امیدوار می شوند.

پیام: تا کی باید روند گریز مغزهای جوان، بدلیل نبود شرایط مطلوب برای اشتغال و فضای بسته و پرخوردهای ناپهناجاری اجتماعی، ادامه یابد. و کشور نیروهای کارآمد خود را از دست بدهد و از گردونه توسعه پیش از پیش عقب بماند؟

### تازه ترین آمار جرایم نوجوانان تهران

طی سال های ۸۰ تا ۸۲ "سُرقت"، بیشترین بزه صورت گرفته از سوی مددجویان کودک و نوجوان در سطح تهران بوده است. به گزارش ایسنا، از میان همه جرمهای ارتكابی کودکان و نوجوانان در سطح تهران طی سال های ۸۰ تا ۸۲، "سُرقت" با ۳۳ درصد از کل، بیشترین آمار بزهکاری را به خود اختصاص داده است.

پیام: رشد روزافزون آمار جرم های گوناگون در میان نوجوانان و جوانان کشور در شهرهای بزرگ، جامعه را با فاجعه ای نگران کننده مواجه ساخته است. پدیده فقر، نبود فضای فرهنگی شاد و سازنده، بیکاری، اعتیاد، رشد حاشیه نشینی و بسیاری عوامل دیگر که حاصل ناتوانی و ناسالمنی مدیریت جامعه توسط حاکمیت است. روز به روز بر ابعاد نگرانی ها می افزاید و مقامات انتظامی بجای چاره اندیشی های کارشناسانه، دست به مانورهای خشونت بار در زمینه برخورد با نوع و رنگ پوشش جوانان می زنند و در عمل بر روحیه قانونگریزی در جامعه دامن می زنند و شماری از نسل جوان را به واکنش های ناهنجار و اوار می سازند.

تحت ضلال السیوف" (عزت زیر سایه و تحت لوای شمشیر به دست می آید)، همان شعاری است که معاویه نیز به آن معتقد بود، که "حق با کسی است که غلبه و سلطه دارد" (الحق لمن غلب).

آیا سردمداران کشورمان به این آگاهی دست نیافته اند که این گونه فرافکنی ها از چشم تیزبین جهان سرمایه داری و دموکراسی غربی دور نمی ماند، و آنها بیشتر تحریک شده و بهانه به دست خواهند آورد تا جلوی پیشرفتهای پژوهشی صلح آمیز هسته ای و تسلیحاتی ایران را بگیرند؟ آیا اینگونه فرافکنی ها بهانه مناسبی به دست آمریکا و اتحادیه اروپا و حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی نمی دهد تا قطعنامه های شدیدی علیه منافع مردم زیر فشار مصادر کنند و ما را درین بست های شدیدتری قرار دهند؟

### گاندی و سکولاریسم

همیشه در ذهن این پرسش بود که گاندی فردی مذهبی و بیشتر معنوی بود و در عین حال تاکیده داشت که مذهب از سیاست جداست، جالب این است که حکومتی که برای هند می خواست مذهبی نبود، بلکه حکومتی سکولار بود، اگر امکان دارد در اینباره صحبت کنید.

فکر می کنم سکولاریسم هندی به معنای غیاب مذهب نیست، هند جامعه بی خدا نیست و مذهب را رد نمی کند، بلکه کاملاً تفکیکی بین مذهب و حکومت داری قائل است و گاندی به این معتقد بود. گاندی مذهبی بود تا بتواند آدمی را به لحاظ معنوی تعالی دهد تا درک بهتری از انسانیت عرضه کند. او مخالف استفاده از مذهب در سیاست بود. این تفکیک کاملاً در ذهنش روشن و واضح بود. انتظار داشت که مردم در حکومت و دولت، مردمی مذهبی باشند، قصدش این بود که مسلمانان در دولت حضور داشته باشند و همچنین مسلمانان خوبی باشند. اما عقیده اش را دخیل در کار نکند، بلکه ارزش هایش را در زندگی روزانه وارد کند، که خود به خود در تصمیم سازی هایش تأثیر می گذارد. او معتقد بود که یک هندو، یک هندوی خوب باشد و یک مسیحی، یک مسیحی خوب باشد، اما مانع دیگران نباشد. بخشی از گفتگوی شرق با سفیر هند در ایران

۱۳۸۳/۱۱

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۹

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

### مضحکه هخا و پادشاه عالم

درست پنجاه سال پس از آنکه یک آمریکایی ۶۷ ساله به نام "هو مر الینسون" در سال ۱۹۵۴ ادعا کرد که پادشاه عالم است و به پایتخت های آن روز جهان، از جمله تهران، سفر کرد و شنلی به رنگ صورتی پوشید و تاجی بر سر گذاشت و خود را فرمائروای جهان نامید، شخص دیگری در لوس آنجلس ظهور کرد و خود را کورش هخامنشی و اهورای پیروز و منجی ایران نامید و از چند ماه پیش در لباس سپید در حالیکه در زیر تصویری از فرشته بال گسترده قرار گرفته بود و در کنار او شمعی افروخته و پرچم هایی با نشانه اهورامزدا و شیر و خورشید قرار داشت، ادعا کرد که در روز دهم مهرماه، همزمان با جشن باستانی و مهرگان با هوایما با تفاق هواداران خود به ایران وارد و بدون درگیری حکومت را در دست خواهد گرفت و پیش از هر کار در میدان شهیاد به رقص و پایکوبی خواهد پرداخت او پنج روز پیش از موعد هم مردم را برای رقص و پایکوبی به خیابانها فراخواند، که البته عده ای هم به دعوت او پاسخ دادند، هر چند که شمار آنان اندک بود و تماشاگران نشان هم رقم قابل توجهی را تشکیل نمی دادند.

اما سرانجام هنگامی که روز موعود یعنی دهم مهر فرارسید، او شرط ورودش را تسخیر حکومت و از کان آن توسط مردم قرار داد و به درخواست هواداران تلفنی اش از آمدن به گفته خودش بطور موقت اعلام انصراف کرد و پس از آن هم در آن تلویزیون خاص و در دیگر شبکه ها که با او حمله و یا از او دفاع می کردند حاضر نشد!! قضیه در اینجا شوخی یک کانال تلویزیونی برای جلب توجه و مطرح ساختن خود توسط یک فرد گمنام نیست، که در دنیای امروز تبلیغات هزار راه و هزار شیوه دارد و این هم یکی از آنهاست. ولی تاسف بار امید و انتظار مردمی است که به امید تغییر حتی به شوخی های تلویزیونی دل می بندند و آنها را باور می کنند. مضحکه هخایش از اینکه خنده آور باشد اذیت هباز است و خطرناک، زیرا مردمی که به امثال هخادل می بندند، آیا به نیروهای مقتدر خارجی که چشم طمع به میهن ما دوخته اند به چشم منجی نخواهند نگرست؟

### فرافکنی های گستاخانه و واپس گرا

ما به وجود آورده (اشاره به دستهای تابازو غریان خود)، ما بالیورالیزم و دموکراسی که آقای خاتمی از آن دم می زند مخالفیم. اسلام دین شمشیر است، مگر نه اینکه قرآن به ما توصیه کرده است که بکشیم؟ ما شهادت انتحاری را تشویق می کنیم...، به نظر می رسد که پاره ای از شعارهای او شباهت بسیاری با آنچه بن لادن مبلغ آنهاست دارد، منتها این بار از حلقوم یک نفر که خود را شیعه علی (ع) می داند بیرون می آید، او به شدت از جریان بنیادگرایی اسلامی در جهان که ایران ام القره آن است دفاع می کند. چنانچه روانشناسان خواهیم سخنرانی او را تحلیل کنیم، صرف نظر از واکنش شدید آن در برابر جنگ ائتلافی و یکپارچگی جهان غرب علیه مافیای تروریستی رو به رشد، می توان مطالب او و گفته های وزیر خارجه کشورمان و گفته رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را که یکبار در نماز جمعه گفته بود اسرائیل را با یک بمب اتمی می توان نابود ساخت "نوعی فرافکنی های روانی دانست که در علم روانشناسی آن را یک نوع مکانیزم دفاعی می نامند. این مکانیزم مانند سایر مکانیزم های روانی دیگر، اغلب ناخودآگاه عمل می کند. فرافکنی های یاد شده برآمده از وجدان ناخودآگاه سران حاکمیت، از آن رو برانگیخته و بر ملا می شوند که از آغاز انقلاب، جناح راست و تندرو کشورمان، اعم از روحانی و غیر روحانی، معتقد به این بوده است که "عزت و سرفرازی" در سایه قدرت به دست می آید. این شعار معروف عربی که "العز

زمانی که همسایه مسلمان ما پاکستان به سلاح اتمی مجهز شد، آقای دکتر خرازی وزیر خارجه کشور، آن را یکی از افتخارهای جهان اسلام به شمار آورد که سرانجام ما مسلمانان نیز به این سلاح دست یافتیم! گفته می شود که به احتمال قوی در همان زمانها جمهوری اسلامی خود نیز پنهانی در صدد دستیابی به چنین سلاحی بوده است. این پنهان کاری چیزی نبود که با پیشرفتهای عظیم در صنایع الکترونیک و ماهواره ای، بتوان از چشم جهانیان مخفی نگاه داشت. سرانجام با آجتار جهانی "و به قولی با آجماع جهانی"، ایران به بازرسی های آژانس بین المللی با آکراه رضایت داد.

چندی است که رسانه های گروهی اپوزیسیون خارج از کشور، سخنرانی شخصی را که از مشاوران رهبر معرفی می شود به صورت صوتی و تصویری پخش می کنند و درباره مطالب آن به بحث می پردازند. این فرد در این سخنرانی ویدیویی، ضمن حملات شدیدی که به جنبش دوم خرداد و جریان اصلاح طلبی دارد، به گونه ای آشکار به آقای محمد خاتمی رئیس جمهور، حمله های توهین آمیز کرده و به ویژه "تذکرتگوی تمدنها" را به باد مسخره می گیرد.

این آقا در خلال سخنرانی شدید و خشمگینانه خود چنین فرافکنی می کند:

"جنبش مبارزه با اسرائیل را ما برانگیختیم، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین را دست ها و بازوان